**نقش تربیت در تعالی اخلاق (1)**

**محسن ملاکاظمی**

اشاره: موضوع اخلاق، رابطه انسان با خود، خدا، دیگران و طبیعت را در بر می گیرد. از این رو اصلاح اخلاق، یعنی اصلاح همة روابط انسان در رسیدن به تعالی واقعی، که خود موجب شکوفایی استعدادها است. در این مسیر لازم است «استعدادها»، «افعال»، «آرزوها» با «غایت وجودی» و «هدف خلقت» انسان هماهنگ شود؛ و مقدمه این هماهنگی شناخت و آگاهی از «نقطه های کمال» و «راه های رسیدن به آن»، «بایدها»، «نبایدها» و همچنین آگاهی از «هست ها» و «واقعیات تکوینی» می باشد. اینکه شناخت از موضوعات فوق همه به عهده علم اخلاق است و یا علوم دیگر نیز در این راستا به کمک این علم می آیند تا تعالی اخلاقی صورت پذیرد موضوعی است که در این نوشتار تبیین خواهد شد:

**تعریف اخلاق**

اخلاق جمع خُلْق می باشد و «خُلق» ملکه و هیئت پایدار نفسانی است که افعال به آسانی و بدون فکر و نظر از آن صادر می شود؛ اگر افعالی که از این هیئت صادر می شود شرعاً و عقلاً پسندیده باشد این هیئت را خلق نیکو گویند و اگر زشت و ناپسند باشد خلق بد نامیده می شود».1

برای تبیین تعریف فوق توضیح چند واژه لازم است:

**1.** ملکه

حالات و صفات نفس انسان مثل حالات و صفات بدن انسان2 دو گونه اند: برخی به سرعت دگرگون می شوند که به آن «حال» می گویند و برخی پایدارند، که به راحتی تغییر نمی کنند. این صفات پایدار در اثر تکرار اعمال خاص متناسب با آن صفت در انسان پدیدار می شود که به آن «ملکه» گویند.

**2.** انجام کار به صورت روان و راحت

در تعریف اخلاق این قید مطرح شده از این رو به رفتارهایی که انسان با تکلف و سختی انجام می دهد آن عمل را اخلاقی نمی گویند مثل بخششی که با اکراه و زحمت انجام شود ولی اگر همین بخشش توأم با آسانی و رغبت باشد این فعل، اخلاقی است و این شخص دارای ملکه سخاوت می باشد.

**تعریف علم اخلاق**

«اخلاق علمی است که به ما نشان می دهد روابط گوناگون خود را چگونه تنظیم کنیم تا به هدف غایی از خلقت خویش دست یابیم.

در علم اخلاق از صفات پایدار نفسانی بحث می شود و معلوم می شود که هر انسان باید کدام صفت نفسانی را در خود تقویت و کدام یک را از خود دور کند. همچنین در علم اخلاق رفتارهای متناسب با هر یک از صفات نیکوی نفسانی شناخته می شود. یعنی افعال خوب و درست از افعال بد و نادرست تمیز داده می شود».3

بنابراین موضوع علم اخلاق اعم از ملکات نفسانی است که فلاسفه اخلاق تاکنون روی آن تأکید داشته اند بلکه موضوع اخلاق با توجه به آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام همة کارهای آدمی است که متصف به خوب و بد می شوند و می توانند موجب پیدایش کمال و فضیلت و یا رذیلت و نقص در نفس آدمی گردند.4

به عبارت دیگر در علم اخلاق چند چیز مورد ارزش گذاری ماست: ملکات و حالات نفسانی و افعال که رنگ ارزشی داشته باشند؛ که ملکات را با اوصافی همچون «فضیلت» و «رذیلت» ارزش گذاری می کنیم. افعال را با اوصافی چون جمیل، نیکو، خوب، قبیح، بد، درست و نادرست توصیف می کنیم.

در کتاب های اخلاقی گذشتگان علاوه بر شناسایی ملکات و رفتارهای نیکو، راه های دستیابی به این ملکات نیز تا حدودی معرفی می شده است. که می توان گفت این بخش از کتب اخلاقی در واقع مربوط به حوزه تعلیم و تربیت است. برای تبیین بیشتر نظر شما را به تعریف اجمالی از «تعلیم و تربیت» به عنوان یک رشته علمی جلب می کنیم:

تعریف: «تعلیم و تربیت دانشی است که چگونگی هدف گذاری و راه های رسیدن به اهداف آموزشی و پرورشی را نشان می دهد».5

توضیح: دانش تعلیم و تربیت مستقیماً ارزش گذاری نمی کند؛ یعنی «خوب» یا «بد» بودن اخلاقی افعال را مشخص نمی کند؛ بلکه خوبی و بدی افعال و ملکات را از علم اخلاق می گیرد و سپس نشان می دهد که چگونه می توان ملکات خوب را در افراد پدید آورد و چگونه می توان ملکات بد را از آنها زدود.

البته همان طور که از عنوانش معلوم است تعلیم و تربیت فقط راه های کسب و حفظ صفات اخلاقی را نشان نمی دهد، بلکه می آموزد که اگر بخواهیم مفاهیم خاصی را آموزش دهیم چگونه باید عمل کنیم.6

**یادآوری 1**

دانش تعلیم و تربیت برای آنکه بتواند راه دستیابی به صفات اخلاقی نیکو را نشان دهد از دانش هایی چون روانشناسی بهره می برد. در علم النفس و روانشناسی از حقایق نفسانی و «هست ها» خبر می دهد و بدیهی است که تا از هست ها آگاهی نداشته باشیم و اینکه انسان و نفس آن چه شئون و ابعادی دارد و... نمی توانیم در تعالی اخلاق به توفیقاتی دست یابیم.7

روانشناسی تربیتی در واقع مهمترین و کاربردی ترین رشته های روانشناسی است که تلاش دارد اصول، قوانین و یافته های شاخه های مختلف روانشناسی را در قلمرو تعلیم و تربیت مورد استفاده قرار دهد.8

**یادآوری 2**

از آنجا که علوم تربیتی و روانشناسی از جمله علوم انسانی است و تدوین «علوم انسانی» با «جهان بینی» افراد و مکاتب ارتباط مستقیم دارد از این رو هر فرد و گروهی که بخشی از این علوم تربیتی و روانشناسی را توسعه داده به همان اندازه نگرش های خود را هم در آن دخالت داده است به همین خاطر ضرورت دارد که با جهان بینی اسلامی به علوم تربیتی و روانشناسی نگریست و سره را از ناسره جدا کرد و به خدمت اخلاق گرفت.

در کتاب آموزه های بنیادین علم اخلاق می خوانیم:

در بخشی از حوزه بزرگ «تعلیم و تربیت» که فلسفه تعلیم و تربیت نامیده می شود، از مطالب مطرح در حوزة اخلاق بهره گیری می شود. یعنی در فلسفه تعلیم و تربیت دیدگاه های مختلف تأثیر می گذارند. مثلاً اگر دیدگاه اخلاقی یک فیلسوف تربیتی این باشد که هر عمل فقط در صورتی خوبِ اخلاقی است که فایده ای برای عامل آن پدید آورد، در این صورت نظر او دربارة اهداف نهاد آموزش و پرورش و هدف های اجتماعی تعلیم و تربیت تغییر خواهد کرد. حال اگر دیدگاه اخلاقی فیلسوف تربیتی این باشد که خوبیِ هر عمل به میزان تأثیر آن در تقرب انسان به خدا بستگی دارد، اهداف نهاد آموزش و پرورش و هدف های تعلیم و تربیت، در نظر او چیزهای دیگری خواهد بود.9

**نتیجه**

از آنچه بیان شد به این نتیجه می رسیم که علم اخلاق صفات نفسانی پایدار و رفتارهای متناسب با آن صفات را به ما معرفی و ارزش گذاری می کند. و دانش تعلیم و تربیت خوبی و بدی افعال و ملکات را از علم اخلاق می گیرد و آن گاه نشان می دهد که چگونه می توان ملکات خوب را در افراد پدید آورد و یا چگونه ملکات بد را از آنها زدود.

بنابراین اخلاق انسان ها ریشه در تربیت آنها دارد و به تعبیر استاد شهید مطهری اخلاق اثر و نتیجه تربیت است و انسان می تواند با تربیت صحیح به فضائل عالی اخلاقی دست یابد.10

حال که ضرورت بحث تربیت و رابطه آن با اخلاق تبیین شد نظر شما را به تربیت از نگاه اسلام جلب می کنیم:

**تربیت در اسلام**

اگر والدین حق اطاعت بر فرزندان دارند، فرزندان نیز حق بزرگ تری بر عهدة والدین دارند و آن حق تعلیم و تربیت است. یعنی زمینه را فراهم کنند تا استعدادها و قابلیت های بالقوة آنان در ابعاد جسمی، شناختی، عاطفی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، معنوی و... به فعلیت و شکوفایی برسد.

در این باره از حضرت علی علیه السلام حکایت شده: «...حقُّ الْوَلَدِ علیَ الوالد ان یُحَسِّن اْسْمُه و یُحَسِّن ادبه و یعلّمه القرآن؛11 حق فرزند بر پدر آن است که نام نیکو بر او برگزیند و خوب ادبش کند و به او قرآن بیاموزد».

مسئولیت والدین در تربیت فرزندان به قدری سنگین و مهم است که امام سجاد علیه السلام در انجام این وظیفة خطیر از خداوند چنین استمداد می کند: «بار الها مرا در تربیت فرزندان و نیکی به آنها یاری فرما».12

**مراحل تربیت**

از نظر اسلام تربیت مراحلی دارد که در هر مرحله لازم است دقت و حوصله لازم به کار رود. بر خلاف برخی، که تربیت را از دوران کودکی می دانند؛ اسلام برنامة تربیتی را از پیش از انعقاد نطفه شروع می کند از این رو می توان مراحل تربیت را بدین ترتیب برشمرد:

1. مرحلة پیش از حمل؛

2. مرحلة جنینی؛

3. مرحلة نوزادی؛

4. مرحلة بعد از دوسالگی؛

5. و مراحل بعدی که از جنبه های مختلف دارای تقسیم بندی های متعدد است.

آنچه مهم است این است که در هر مرحله تربیتی باید سه محور زیر مورد توجه قرار گیرد تا تربیت صحیح انجام پذیرد:

الف: شناخت ویژگی ها

ب: تعیین نیازها

ج: تأمین نیازها به صورت مطلوب

با توجه به محدودیت مجال، در این شماره به توضیح مرحله اول می پردازیم و انشاءالله بحث را در شماره های بعدی پی می گیریم.

1. مرحله قبل از حمل

این مرحله را نیز می توان به دو مرحله عمده تقسیم کرد:

**الف:** مرحله قبل از ازدواج

چنانچه گذشت در اسلام نقطه های آغازین تربیت کودک را نه تنها قبل از تولد بلکه قبل از ازدواج می داند که یکی از دلایل آن موضوع وراثت است. زیرا در جریان تشکیل نطفه نقش عوامل ژنتیکی13 و سهم وراثت در تکوین شخصیت کودک به چشم می خورد.

وراثت: به طور کلی مجموعه خصوصیات و ویژگی های غیر اکتسابی که از اجداد گذشته و از طریق والدین، توسط «ژن ها»14 به فرزند انتقال می یابد، وراثت یا انتقال ژنتیکی می نامند. وراثت پدیده ای بسیار پیچیده است که تبیین آن در حوصله این نوشتار نیست ولی به طور خلاصه می توان گفت: هنگامی که تخمک15 (سلول جنسی ماده) در محیط رحم، توسط سلول جنسی نر یا اسپرماتوزوئید بارور می شود، نطفه منعقد می شود. به هنگام تشکیل نطفه، جنین ترکیب معینی از کروموزم ها (بیست و سه جفت نیمی از پدر و نیمی از مادر)، یا ترکیب مشخصی از ژن های والدین را دریافت می کند. صفاتی که از ژن ها به کودک منتقل می شود، ممکن است مستقیم از پدر و مادر و یا از اجداد پیشین باشد.16

در فرایند تشکیل نطفه هرگونه اختلال در ترکیب کروموزوم ها می تواند موجبات نقص جنین را فراهم آورد.

مطالعات انجام شده نشان می دهد نسبت معلولیت های ژنتیکی ناشی از ازدواج های فامیلی به طور قابل ملاحظه ای بیشتر از ازدواج های غیر فامیلی است.17

اصل موضوع وراثت از نظر علمی مسلم می باشد و در روایات اسلامی نیز بر این موضوع تأکید شده است به عنوان نمونه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حکایت شده: «تجوزوا فی الحجز الصالح فان العِرْقَ دساسٌ؛18 از خانواده های شایسته و صالح همسر برگزینید، زیرا ویژگی های (والدین و اجداد) از طریق عرق=[ژن] (به فرزند) منتقل می شود».

و در روایتی دیگر می فرماید: «حسن الاخلاق برهان کرم الاعراق؛19 خوبی اخلاق یک فرد نشان نیکو بودن ژن های اوست (که از والدین به او منتقل شده است)».

با توجه به آنچه گذشت در منابع دینی، روی دقت در انتخاب همسر و اصالت خانوادگی او تأکید شده است و ویژگی هایی را نیز بر شمرده اند.20

**ب:** مرحله بعد از ازدواج

وقتی همسر مناسب با ویژگی های نیکو مانند دین داری و عاقل بودن و دارای اصالت خانوادگی انتخاب شد، مناسب ترین بستر برای تشکیل نطفه آماده شده است که لازم است با اعمال و رفتار مناسب بهداشت روان زوجین تأمین شود به ویژه بهداشت روانی زن، چرا که اثرپذیری جنین از مادر بیشتر از اثرپذیری آن از پدر است.

برخورداری زوجین از نگرش مثبت و انگیزة لازم برای فرزندآوری، پرهیز از خستگی جسمی و روحی و کم خوابی و به دور از آشفتگی عاطفی، برخورداری از چهره ای متبسم و عاشقانه و همراه با قلبی آرام حداقل شرایط روانی لازم برای تشکیل نطفه و برداشتن گام های آغازین برای تربیت فرزند می باشد که در آیات قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم توجه به غذای حلال و طیب، خلوت گزینی و عزلت21 و کناره گیری موقت، برای تهذیب نفس و پالایش روحی و راز و نیاز و دعا و درخواست فرزند صالح22 مورد توجه واقع شده است و در روایات اسلامی در مورد آداب آمیزش زن و مرد و زمان و مکان و نقش آن در شکل گیری شخصیت و تربیت فرزند صالح توصیه های فراوانی شده است23 که اهمیت موضوع را می رساند.

ادامه دارد...

**پی نوشت ها**

1. اخلاق شُبَّر، ص10.

2. صفات پایدار بدن مثل کوتاهی قد و صفات ناپایدار مثل تب.

3. آموزه های بنیادین علم اخلاق، محمد فتحعلی خانی، ج1، ص17.

4. اخلاق در قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، ج1، ص 240.

5. آموزه های بنیادین علم اخلاق، ج1، ص33.

6. همان.

7. گرچه علم «روانشناسی» امروز از این مسیر منحرف شده است. برای آگاهی بیشتر ر.ک: اخلاق در قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، ج2، ص 24.

8. روانشناسی تربیتی کاربردی، غلامعلی افروز، ص 16.

9. ر.ک: آموزه های بنیادین علم اخلاق، ج1، ص 35؛ و تعلیم و تربیت در اسلام، مرتضی مطهری، ص88 به بعد.

10. تعلیم و تربیت در اسلام، ص76.

11. نهج البلاغه، فیض الاسلام، حکمت 391.

12. دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه (دعا دربارة فرزندان)

13. Genetical

14. ژن ها ذرات ریزی هستند که در کروموزوم ها جای داند. کروموزوم ها در هستة سلول، درون نطفه قرار دارند.

15. Ovule

16. روانشناسی تربیتی کاربردی، غلامعلی افروز، ص216.

17. لذا توصیه می شود در صورتی که داوطلبان ازدواج با هم خویشاوند هستند، حتماً قبل از ازدواج با مراجعه به مراکز مشاورة ژنتیکی تصمیمات و تدابیر لازم را اتخاذ کنند. (همان، ص219)

18. مکارم الاخلاق، ص 197.

19. غررالحکم، ص 254.

20. وسایل الشیعه، ج 14، ص 120 و کافی ج5، ص 247.

21. سوره مریم: 49.